

توسعه پیوند سیاست خارجی از منظر اقتصاد مقاومتی و جهانی شدن

محمد غفوری جلیسه

گروه مدیریت بازرگانی، دانشکده مدیریت و اقتصاد و حسابداری، دانشگاه پیام نور، ایران - گیلان.

چکیده

بدون تردید پیشرفت هر جامعه ای در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در درجه اول به رابطه وثیق آن کشور با سایر دول وابسته بوده و مهمترین عنصری که توانسته مقوم و ضامن پایداری این رابطه باشد، وجود یک استراتژی مناسب، مبتنی بر واقعیات اساسی داخل کشور و جهان خارج بوده است. در چند دهه اخیر، در ایران فقدان یک پارادایم حقیقی و دقیق در زمینه سیاست و دیپلماسی خارجی باعث آن گردیده است که منافع ملی در سطح جهانی متأثر از رویه های متفاوت و بعضاً متضاد گردد، که به تبع آن فرصتهای بسیار سودمند از بین رفته است. این بررسی دو واقعیت مهم در داخل و خارج نظام اسلامی ایران یعنی اقتصاد مقاومتی و پدیده جهانی شدن یا جهانی سازی را مفروض اساسی گرفته است؛ و کوشیده نشان دهد که نه تنها هیچگونه تقابلی بین آنها وجود نداشته، بلکه به جهات عناصر مشترک ارتباطی که بین آنها برقرار بوده است، میتوانسته مبنایی متقن برای سیاست خارجی و جهانی باشد؛ برای این منظور، مؤلفه های اثرگذار در توسعه سیاست جهانی واکاوی گردیده و از طریق مقایسه آن با مختصات اقتصاد مقاومتی، پیوند متقابل این دو، مورد تامل قرار گرفته است. فرضیه اصلی نوشته حاضر عبارت بود از: بین سیاست خارجی کارآمد و واقعیات داخل و خارج - الگوی اقتصاد مقاومتی و جهانی شدن - رابطه ای معنی دار برقرار است. این فرضیه خود مبتنی بر دو فرضیه فرعی بوده و آنها عبارتند از: بین سیاست خارجی کارآمد با اقتصاد مقاومتی رابطی معنیدار برقرار است و همین طور، بین سیاست خارجی با مفهوم جهانی شدن رابطی معنی دار وجود دارد. نتیجه این بررسی - که به روش تبیینی بوده - نشان داد، درک پیوند متقابل اقتصاد مقاومتی با اقتصاد جهانی توانسته تأثیری معنیدار بر اتخاذ سیاست خارجی موثر داشته باشد.

کلمات کلیدی: اقتصاد مقاومتی، سیاست جهانی، سیاست خارجی، جهانی شدن، اقتصاد جدید

طبقه بندی N1، JEL: N3، N9، N10

مقدمه

یکی از مؤلفه های مهم در تثبیت یک نظام سیاسی اتخاذ استراتژی و سیاست جهانی موثر از سوی کارگزاران آن نظام است، اما پرواضح است که سیاست موثر زمانی مفهوم مییابد که درک درست گفتمانی از واقعیات داخل و خارج جوامع فراهم آید، و چنانچه خلاف رویه پیش گفته عمل شود، دست کم سیاست مآخوذ جهانی نخواهد بود و به طریق اولی منافع چندانی را نمی توان برای آن متصور بود. از سوی دیگر، نباید از یاد برد که گاهی اوقات عدم اهتمام به یک استراتژی مناسب در سیاست جهانی می تواند هزینه های سنگینی را برای یک جامعه به همراه داشته باشد. پرسش این است که مؤلفه های اثرگذار بر سیاست جهانی جمهوری اسلامی چیست؟ و چگونه میتواند این سیاست از آنها اثر گیرد و متقابلاً اثر بگذارد؟ این مسئله از جهات مختلف حائز اهمیت فراوان است، نخست اینکه مطابق قانون اساسی، دکترین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برپایه نه شرقی و نه غربی بنا بوده و بنابراین در نوع خود بی بدیل است. نکته دوم که البته، مبنای نکته اول است، اینکه در جهان سکولار معاصر این نظام شدیداً ایدئولوژیک است و برپایه دین اسلام بنا نهاده شده و بنابراین شدیداً متأثر از آموزه های اسلامی و شیعی است. نکته سوم که نباید از یاد برد این است که ایران یک کشور در حال توسعه میباشد، و گامهای آغازین برنامه ششم توسعه اقتصادی و اجتماعی را پیش روی دارد و از این جهت اهداف و آرمانهای تحقق نیافته بسیار داشته و دارد. همه این ویژگیها و بسیاری ویژگیهای دیگر که بیان آنها باعث تطویل گفتار میشود، سبب آن شده است که نه تنها از موقعیت ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ایدئولوژیک بالایی برخوردار باشد، بلکه در مرکز این توجهات قرار گیرد.